

استاد سید محمدحسین جلالی نمونه عزم و همت - سید علی طباطبائی یزدی
علمی- ترویجی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هفدهم، شماره ۶۸ «ویژه قرآن و حدیث»، پاییز ۱۳۹۹، ص ۱۶۹-۱۸۴

استاد سید محمدحسین جلالی نمونه عزم و همت

سید علی طباطبائی یزدی*

چکیده: این گفتار در باره سید محمدحسین جلالی (۱۳۶۲ کربلا - ۱۴۴۲ امریکا) عالم محدث کتابشناس رجالی است که نزدیک به نیمی از عمر خود را در هجرت گذراند. شرح حال، نسب و اساتید جلالی، هفت نکته از منش و روش علمی و عملی جلالی در دفاع از تشیع و ترویج آن، فهرست تألیفات و مشایخ اجازات جلالی از شیعه و سنی و زیدی در این گفتار بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: جلالی، سید محمدحسین؛ کتابشناسی؛ علم الحدیث؛ حوزه علمیه کربلا؛ دانشوران شیعی - قرن چهاردهم و پانزدهم؛ اجازات حدیثی.

۱. پژوهشگر، کتابشناس، حوزه علمیه قم، مدیر مؤسسه محقق طباطبائی alitbtb@gmail.com

حضور مستمر چهل و چند ساله یک عالم فرهیخته و دانشمند و کتابشناس برجسته مسلمان در آمریکا، - کسی که در مرکز حوزه شیعی، سالها تحصیل علم کرده و در محضر بزرگانی زانو زده از قبیل علامه شیخ آقابزرگ طهرانی و آیت الله خویی و... که الگوی پژوهش و تبعیع و مطالعه دقیق آثار قدما بودند - نادر، بلکه بی نظیر بوده است و برای جامعه آمریکایی و مسلمانان آنجا بسیار مغتنم.

استاد سید محمدحسین جلالی، محققی بود، از طبقه عالمانی که در فضای نجف قدیم، و در کنار قله‌های فضیلت علمی و اخلاقی زیسته‌اند و هوای کتاب و رساله و یادداشت و سند و نسخه خطی و بحث و نظر و درس و مناظره را استنشاق کردند و خواندند و نوشتند و تصحیح کردند و متون کهن را وارسی کردند و به سنت دنباله‌دار مشایخ روایت و درایت و تدقیق و تنقیب در سطر به سطر و کلمه به کلمه میراث متکلمان و محدثان و ادبیان و لغویان و مورخان و مفسران و رجالیان عالم اسلام، در قرون متمامدی، از هند تا اندلس و از یمن تا ماوارء النهر، جد و جهد کردند و از بام تا شام و تابستان و زمستان، در ایام تحصیل و تعطیل، در عسرت و شدت، از فحص و تبعیع و تأمل فروگذار نکردند.

زندگی و تحصیلات

پدر و جد پدری او در کربلا از علماء بودند، و جد مادریش آیت الله سید محمدهادی خراسانی نیز از فقهاء بنام بود.^۱

۱. خاندان جلالی از خاندان‌های علمی و مشهورند. برادران مرحوم استاد جلالی، یعنی سید محمد تقی و سید محمد رضا و سید محمد جواد جلالی نیز در فعالیت علمی و خدمات دینی نام آورند. سید محمد تقی جلالی، در شهر قاسم که از شهرهای عراق بود فعالیت بسیار داشت و مدرسه‌ای نیز در آن شهر تأسیس



وقتی استاد جلالی در سال ۱۳۲۲ شمسی به دنیا آمد، پدرش تاریخ تولدش را به عربی ثبت کرد، به این مضمون: «نور چشمی، سید محمد حسین، که خداوند او را محفوظ بدارد، در روز جمعه هنگام غروب سیزدهم صفر الخیر سال ۱۳۶۲ ق. به دنیا آمد».

استاد جلالی مقدمات را نزد شیخ عبدالکریم شیرازی و کبری در منطق را نزد برادر شهیدش سید محمد تقی جلالی آموخت. هدایه و صمده و سیوطی و مطول و حاشیه را نزد شیخ جعفر رشتی و شرح لمعه را نزد پدرش و سید عبدالله خویی و شیخ محمد شاهروdi و معالم را نزد شیخ علی عیشان و شیخ یوسف خراسانی آموخت.

در هفده سالگی به دستور پدرش راهی نجف اشرف شد تا مشغول به تحصیلات عالیه شود. در نجف در حجره‌ای در مدرسه صدر^۱ ساکن شد و از اساتید بزرگ نجف بهره برد. مکاسب را نزد شیخ صدرا بادکوبی و آیت الله سید علی سیستانی

کرد و بعد از شهادت رسید. استاد محقق بزرگوار آیة الله سید محمد رضا جلالی، از محققان بسیار پرکار و ارجمند در عرصه متون کهن و تراجم نگاری و تاریخ نگاری و حدیث پژوهی هستند و برعی از تألیفات ایشان نیز به فارسی برگردان شده از جمله سیره و سیمای امام حسین^۲ به ترجمه دوست محقق ما جناب جویا جهانبخش توسط انتشارات اساطیر در تهران منتشر شده است. مجله علوم الحدیث که سالم‌باشد همت ایشان به زبان عربی^۳ منتشر شده، از بهترین مجلات در این زمینه است. پرداختن به شخصیت علمی ایشان خود فرصتی فراخ می‌طلبد. خداوند به ایشان عمر طولانی عطا کرد. در باره خاندان جلالی کتابی را مرحوم سید محمد حسین جلالی تأليف و منتشر کرده است و به تفصیل به معرفی اعلام و عالمان پیشین این خاندان و احوالات و آثار آنان پرداخته است. رضوان الله تعالى علیهم أجمعین.

۱. مدرسه صدر از مدارس قدیمی نجف و ساخته نظام الدوله میرزا محمد حسین خان صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار است. بدین روی به مدرسه صدر یا مدرسه صدر اعظم شهرت یافته است.

و فلسفه را نزد شیخ مسلم ملکوتی سرابی آموخت. نیز در درس خارج فقه آیت الله سید محسن حکیم و اصول آیت الله میرزا باقر زنجانی و فقه و اصول آیت الله سید حسن بجنوری و آیت الله سید ابوالقاسم خویی حاضر شد. در این میان، به استاد خود آیت الله سید حسن بجنوردی بیش از دیگران نزدیک بود و مورد توجه ایشان بود. در آخر نیز در سال ۱۳۴۵ شمسی از آیت الله بجنوردی اجازه اجتهاد دریافت کرد. نظرات اصولی استادش آیت الله خویی را نیز در کتابی با عنوان «تهذیب مبانی الأصول» انعکاس داد.

در تابستان ۱۳۴۲ شمسی مدتی را در دره مراد بیک در اطراف همدان بود و بعد به زیارت امام رضا^۷ و زمینی به زیارت مکه مکرمه و گزاردن حج^۱ رفت. در این سفر با عالمان مکه دیدار کرد و از ایشان اجازه روایت دریافت کرد. در مکه نگارش «معجم الأحادیث» را آغاز کرد که در الذریعة (ج ۲۱ ص ۲۱۷) مذکور است (و این در دوره جوانی ایشان بود که استادش محقق تهرانی از او تجلیل می‌کند).

در سال ۱۳۴۷ به انگلستان رفت و مدتی در آنجا ماند. وضعیت مسلمانان در آنجا مورد توجه او قرار گرفت و در این باره نامه‌ای به استادش آیت الله خویی نوشت و پیشنهادهایی نسبت به جامعه مسلمانان انگلستان ارائه کرد. این نامه در نشریه مشهور آن دوره یعنی مجله العرفان در بیروت منتشر شد.

سپس به دمشق رفت و مشغول تحقیق در کتابخانه عظیم و کمنظیر دارالکتب

۱. جانب ارتباطات علمی و فعالیت کتابخانه‌ای ایشان در مکه و مدینه، ایشان را از انجام مستحبات نگاه نمی‌داشت. چنان‌که اخوی معظم ایشان استاد ما آیة‌الله سید محمد رضا جلالی فرمودند ایشان به استحباب سیصد و شصت طواف عمل می‌کرد و به نیابت تعداد زیادی از علمای طائفه هم، از زمان غیبت صغیری تا عصر حاضر، طواف می‌کرد.

الظاهريه شد که از حيث اشتمال بر نسخ خطی بسیار کهن، از کتابخانه‌های خطی مهم دنیاست.

ایشان، در سال ۱۳۵۱ از سوی مرجع بزرگ شیعیان، آیت الله خویی رضوان الله علیه، و به نمایندگی از ایشان به قطر رفت و در دوچه ساکن شد. مرحوم استاد جلالی، وجود خود را در قطر آن روزگار، که در آن، کتاب و کتابخانه و مدرسه چندان مورد توجه نبود، مفید نمی‌دانست. بدین روی، از استاد خود، آیت الله خویی خواست تا از این وظیفه کناره گیرد. با توجه به اوضاع نابسامان عراق در آن روزگار، به نجف بازنگشت، بلکه به قم مهاجرت کرد و به فعالیت علمی خود ادامه داد و در محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز شرکت کرد.

بعد به قاهره سفر کرد و با شخصیت‌های علمی قاهره دیدار کرد و از کتابخانه‌های آنجا بهره‌های فراوان برداشت. با علمای زیادی از اهل سنت ارتباط نزدیک داشت. کتاب «دلیل القراءات» ایشان در دیوبند (مدرسهٔ حنفی‌ها) چاپ شده است و ظاهراً تنها کتاب شیعی است که آنان منتشر کرده‌اند. بعد از آن به دعوت مسلمانان انگلستان باز به آنجا سفر کرد. مدتی را در انگلستان گذراند و سپس راهی آمریکا شد.

چند نکته از منش و روش مرحوم جلالی

۱. هرچند استاد جلالی تا آخر عمر را در آمریکا ماند، اما در این میان سفرهای بسیاری به نقاط مختلف جهان داشت و با مراکز علمی، کتابخانه‌ها و شخصیت‌های علمی دیدار کرد. یادداشت‌های بسیاری از مطالعات خود در نسخ خطی کتابخانه‌های مصر و یمن و فلسطین و سوریه و ایران و کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی فراهم آورد و با شخصیت‌های علمی بسیاری ارتباط داشت. حجم انبوهی از یادداشت‌های ایشان همچنان تنظیم نشده و به انتشار نرسیده است.

۲. آنچنان که از فهرست آثار او پیداست، اهتمام به میراث حدیثی، اجازات و رجال

استناد داشت. نجح البلاغة از متون مورد توجه او بود و کاری که در حوزه کتابشناسی نجح البلاغة و استناد آن کرده، بسیار ارزشمند است. به صحیفه سجادیه نیز عنایت داشت و شناسایی و کنکاش در منابع خطی و شناسایی میراث شیعی، متن همیشگی کار او بود. در زمینه کتابشناسی بجز «فهرس التراث»^۱ در حاشیه الذریعة آقابزرگ طهرانی تحقیقی پر حجم سامان داد که منتشر نشده است. مرحوم استاد جلالی به ثبت شجرة سادات اهمیت می داد و در دیدارهایی که با بسیاری از خاندان‌های سادات در دنیا داشت، اطلاعات نسبی بسیاری را یادداشت کرد. شجره‌نامه‌های کهن را ثبت و ضبط می کرد و در سلسله انتشارات خویش منتشر می کرد.^۲

-
۱. فهرس التراث کتابی است از داشتور فقید سید محمد حسین جلالی که عالمان شیعی را به ترتیب قرن (قرن یکم تا پانزدهم)، و در هر قرن به ترتیب سال وفات عالمان، آنها را فهرست کرده و ذیل نام هر کدام، برخی از مهمترین کتابهای آنان را با ذکر مشخصات چاپی و خطی یاد می کند.
 ۲. ایشان نسب‌نامه خویش را هم به صورت چند تابلو در آورد و به فرزندان خود سپرد. نسب‌نامه ایشان از این قرار است: سید محمد حسین ابن السید محسن ابن السید علی المحائزی الکشمیری ابن السید قاسم شاه (که تا ایشان همه ساکن عراق بودند) ابن احمد بن محمد میر وزیر کشمیری (که وزیر راجه علی شاه پادشاه کشمیر بود) ابن احمد (مهاجر به سکردو در هندوستان) بن میر حیدر شاه کشمیری ابن شاه مراد الثانی ابن شاه حسین (م. بعد از ۱۱۰۳ ق.) ابن شاه مراد الأول ابن میرزا حسین السبزواری (که از سبزوار به هندوستان مهاجرت کرد) ابن فخر الدین حسن (مشهور به سید میرزا) ابن شرف الدین محمد الثانی ابن شمس الدین علی الرابع ابن شرف الدین محمد الأول ابن شمس الدین علی الثالث (م. ۸۳۶ ق. که به سبزوار مهاجرت کرده) ابن عمید الدین عبد المطلب الثانی (م. ۶۵۶ ق. آخرین نقیب بنی العباس که در کتاب العمل، در منتهای نسب مذکور است) ابن تاج الدین حسن النقیب (م. ۶۵۳ ق. که فرزندش علم الدین در نقابت جاشینش شد) ابن شمس الدین علی الأول (م. ۶۰۲ ق.) ابن عمید الدین محمد ابی جعفر ابن ابی نزار عدنان (م. ۵۵۳ ق. مدفون در حرم امیر المؤمنین در نجف) ابن ابی الفضل عبدالله (م. بعد از ۴۷۶ ق.) بن

۳. استاد جلالی، چهل و چند سال عمر خود را در آمریکا گذراند. در بدو ورود به آمریکا، مدتی را در اوهاایو و مدتی را نیز در ایندیانا گذراند و بعد برای همیشه به شیکاگو در ایلینوی آمریکا رفت. به رغم سختی‌های زندگی در غربت و دوری از دوستان و خویشان، از فعالیت علمی و پژوهشی و رسالت حوزوی خود هیچ نکاست، بلکه با عزم راسخی که در این سفر داشت، به فعالیت خود جنبه‌های مختلف داد و سخت تلاش کرد.^۱ وی پس از آنکه در شیکاگو مستقر شد، مرکزی را بنیاد نهاد تا فعالیت پژوهشی و آموزشی خود را در آن متمرکز کند. این مرکز را، نه به سبک معمول امروزه و با صرف هزینه‌های متعدد برای ساختمان و ساختار

عمر المختارین مسلم الأحول (از ۳۸۹) ابن أبي علي محمد (م. بعد از ۳۵۳ق.)، ابن محمد الأشتر (م. ۳۵۰ق.)، ابن عبيد الله الثالث (م. ۲۹۰ق.)، ابن أبي الحسن على الأكبر ابن عبيد الله الثاني ابن على الصالح (راوی از امام رضا که از طوس به سوی مورفت وفات او در ماشیان ایلام بود و مزار او آنحضر آبادی است که به نامش صلح آباد نامید می‌شود) ابن عبيد الله الأعرج (که مزارش در آستانه علویان، نوقان استان سمنان است) ابن حسین الأصغر (م. ۱۵۷ق. متولد و درگذشته در شهر مدینه) ابن الإمام زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن أبي طالب.

۱. یک بار بر سفره به دختر خواهرم که لب به گوشت نمی‌زد گفتم چرا گوشت نمی‌خوری؟ گفت: من بر اصول گیاه‌خواری عمل نمی‌کنم. بلکه من اصولاً بدون گوشت بزرگ شدم و عادت به گوشت خوردن ندارم. آمریکای امروز را نینید که گوشت حلال همه جا هست. در گذشته، سالی یک بار، پدرم می‌توانست مسیر طولانی تا شهر دیتروید را طی کند که مسلمانان پیشتری آنجا بودند و از کسی که گوشت حلال داشت، گوشت تهیه می‌کرد و ماقری باسالی یک باری توافقیم گوشت بخوریم. لذا، ماسالها باخوردن صیفی جات و سبزی هاروزگار گذراندیم.

علاوه بر سختی‌های زندگی در غربت، سختی زندگی در جامعه پرهزینه آمریکا هم بود، خاصه برای ایشان که ملتزم بود هم زندگی طلبکی داشته باشد و هم از وجودهای شرعی، استفاده نکند.

اداری، بل به سبک مشایخ خود، با حداقل امکانات شخصی و در کتابخانه شخصی خودش بربپا کرد و به آن عنوان The Open School (مدرسه آزاد) داد. این عنوان، به خاطر تأکید ایشان بود بر دسترسی آسان و رایگان به آموزش، که سنت عالمان اسلامی بود. مجالس درس ایشان، هم حضوری بود، هم با استفاده از هرگونه امکان ارتباطی از قبیل ارسال کتاب و مکاتبه، استفاده از تماس‌های صوتی و در سال‌های اخیر استفاده از اینترنت.

۴. بی‌توجهی او به وجوده پرهزینه مراکز علمی، ناشی از نشو و نما در نجف و در فضایی بود که فعالیت علمی و آموزشی، سبک و شیوه‌ای دیگر داشت و با حداقل زمینه‌های ارتباط استاد و شاگرد فراهم می‌شد؛ همچنان که او و دیگر شاگردان استادش مرحوم علامه شیخ آقابزرگ طهرانی، در کتابخانه شخصی آن استاد بزرگ جمع می‌شدند و بهره می‌گرفتند. و همچنان که پدر همسر استاد جلالی، مرحوم محقق سید عبدالعزیز طباطبائی نیز در کتابخانه‌اش در طبقه بالای خانه‌اش، مشغول به شاگردپروری و ارائه خدمات علمی و پژوهشی و راهاندازی و به ثمر رسانیدن تحقیق و نشر کتابهای حلقه‌ای از شاگردان و دوستان خود بود.

ای کاش، مجتمع‌های بزرگی که امروزه برخی نهادهای پژوهشی ما را در طبقات سیمانی و ستون‌های آهنین و ساختار اداری عریض و طویل خود بلعیده‌اند، اندکی از ثمرات و بهره‌وری آن حلقه‌های کوچک و فضاهای علمی سنتی و به ظاهر محققر را داشت و برپایی برخی کنگره‌ها و اجتماعات عظیم، با توجهات و عنایات متعدد مالی و پرسنلی، یک مجلد از «الذریعة» و طبقات و یک مقاله از «أهل البيت في المكتبة العربية»^۱ را به میراث علمی ما می‌افزود. حتی دیده‌ایم برخی از کارهای ارزشمندی

۱. «أهل البيت في المكتبة العربية» عنوان کتابی است از علامه محقق کتابشناس مرحوم سید عبدالعزیز

که در زمینه میراث شیعی، در برخی از نهادهای بزرگ شکل گرفته، باز در حاشیه آن ساختارها و با یک همت و عزم شخصی - و نه در متن آن همه مؤسسه عربیض و طیل - سامان گرفته است.

۵. از جمله سنت‌های علمی گذشتگان ما، پاسخ مثبت به هر طالب علم در هر پایه تحصیلی بود. یعنی چنانچه یک مبتدی، از بزرگی که مراحل بسیاری از تحصیل و تدریس را گذرانده، درخواست درس می‌کرد، اگر استاد در ساعات خود می‌توانست وقتی به او اختصاص دهد، جواب رد نمی‌داد و گویا احساس وظیفه می‌کرد تا زکات علمی را که دارد، در هر پایه که باشد، به هر طالبی که خداوند بر سر راه او قرار داده است، بپردازد.

ما این را در تراجم عالمان بزرگی مثل مرحوم شیخ مرتضی طالقانی و آیت الله خوبی و امثال ایشان رضوان الله علیهم اجمعین دیده‌ایم. شیوه مرحوم استاد جلالی نیز در این مدرسه آزاد همین بود؛ از آموزش‌های ابتدایی به تازه‌مسلمانان گرفته تا دروس عالی حوزه در فقه و حدیث و فلسفه و تاریخ، و آموزش تحقیق و تبع در متون را، بنا به اقتضای جلساتی که برپا می‌شده است، همه را شامل می‌شد. در سطوح بالاتر، روش ایشان در فارغ التحصیل کردن شاگردان در هر مقطع و هر رشته، ارائه یک پژوهش شایسته از سوی شاگردان بود. ایشان حتی برای کسانی که دروس حوزی را آغاز می‌کردند، مجموعه‌ای جمع و تصنیف کرده بود با عنوان «نصوص الدراسة في الحوزة العلمية» و آن را در برنامه آموزشی مدرسه قرار داده بود.

طباطبایی، که در آن مشخصات کتابهایی از اهل تسنن را که به صورت تک نگاشت به زبان عربی در باره‌أهل بیت نوشتند، اعمّ از چاپی یا خطی، با توضیح کوتاه یا مفصل، بیان می‌دارد. در این کتاب، بیش از ۸۰ کتاب معرفی شده‌اند.

۶. از دیگر فعالیت‌های ایشان، انتشار برخی متون در آمریکا بود. آنچه را که در حین بررسی منابع کهن و وارسی متون و کنکاش در کتابخانه‌ها، شایسته می‌دید تا در دسترس محققان و اسلام‌پژوهان قرار گیرد، از رساله‌های کوچک خطی گرفته تا کتاب‌های حجمی‌تر، همراه با مقدمه‌ای در معرفی آن کتاب و نسخه، در سلسله انتشارات مدرسه آزاد، منتشر می‌کرد.

علوّ همت ایشان وقتی معلوم می‌شد که بدانیم این حجم از کار، هیچ پشتیبانی مالی نداشته است. شکل و شمايل کتابهای انتشارات The Open School هم گواه آن است. ایشان آن رسائل خطی و کتاب‌ها را با مقدمه‌ای که بر آنها می‌نگاشت بعینه به تعداد محدودی در حدود پنجاه تا یکصد نسخه، و با کمترین امکانات و با هزینه شخصی چاپ می‌کرد. بعلاوه با هزینه شخصی خویش، آنها را به اداره پست می‌سپرد و برای آدرس‌هایی از کتابخانه‌ها، مراکز پژوهشی و محققانی که در آمریکا و اروپا و آسیا و خاورمیانه و آفریقا - یعنی در تمام ربع مسكون می‌شناخت و گمان می‌برد این آثار به کار آنان بباید - بی‌هیچ چشمداشتی پست می‌کرد. وی امید داشت که هرچند کیفیت چاپ پایین است، اما اگر پخش شود، از بین نرفته و در آینده به وجه بهتری منتشر خواهد شد.^۱

۷. این چنین تعهدی که سالهای سال بدان پاییند بود، ولع او را برای محفوظ ماندن آن رسائل و کتابهای خطی و انتشار آنها برای شناساندن میراث اسلامی نشان می‌داد.

۱. هچنان‌که کتابی را که در شرح حال استادش مرحوم علامه شیخ آقابرگ طهرانی رحمة الله عليه نوشته بود، به دلیل کمبود امکانات به صورت دستخط خود چاپ کرد و وقتی به دست جناب آقای ابهری سلمه الله مدیر محترم سابق کتابخانه مجلس در تهران رسید، آن را به شکل مطلوب و با تیراز بالا از سوی انتشارات کتابخانه مجلس منتشر کردند.

همّت و عزم او برای ارائه سخنرانی‌هایی درباره شناخت جوهر تشیع در سمینارهای علمی متعدد در آمریکا و چند بار در اروپا و چین و روسیه، نشانه یک تعهد دینی و احساس وظیفه انسانی بود که در درون او به قوت شکل گرفته بود. این تعهد، خود را گاه در رفتار اجتماعی نیز نشان می‌داد که جدای از فعالیت‌های علمی و تحقیق و خواندن و نوشتمن، به جامعه اقلیت شیعی آمریکا توجه نشان می‌داد و اقدام به فراهم کردن کلاس‌هایی برای کودکان و نوجوانان آنان نمود. حتی برخی فعالیت‌های اجتماعی از قبیل اقامه عزای محرم در دسته‌هایی که برای آنها تی شرت‌های سیاه یکدست، با احادیثی که به زبان انگلیسی بر آنها نوشته بود فراهم می‌کرد تا مورد توجه قرار گیرند. از خدمات اجتماعی او، اهتمام برای تهیه قبرستان در آرلینگتون برای شیعیان بود که بنا به وصیتی که کرده بود، پیکر خود او نیز در آنجا به خاک سپرده شد.

و سر انجام ...

استاد جلالی، در یازدهم نوامبر ۲۰۲۰، پنجم ربیع الآخر ۱۴۴۲ قمری، بعد از یک هفته بیماری، در حالی که فرزندان و شاگردان و دوستدارانش بر او حلقه زده بودند، در خانه خود در شیکاگو از دنیا رفت. رحمة الله و رضوانه عليه.^۱

آثار استاد جلالی

- | | |
|---------------------------------|-------------------------------|
| ۱. دراسة حول القرآن الكريم | ۲. دراسة حول نجح البلاغة |
| ۳. مسنن نجح البلاغة | ۴. دراسة حول الصحيفة السجادية |
| ۵. دراسة حول الأصول الأربععائية | ۶. إجازة الحديث |

۱. با انتشار خبر ارتحال استاد جلالی، بسیاری از شخصیت‌های علمی حوزوی و دانشگاهی، با اظهار اندوه از فقدان ایشان، پیام‌های تسلیت خویش را منتشر کردند و برخی شعراء، ماده تاریخ وفات ایشان را در ایاتی سروندند.

٧. البديعة في تلخيص الذريعة
٩. الاكتفاء فيما روى في أصحاب الكسae
١٠. تلخيص الذهب من لسان العرب لابن منظور (٣ جلد)
١١. درایة الحديث
١٢. شرح الأربعين النبوية
١٣. غاية الأمانى في حياة شيخنا الطهراني
١٤. فهرس التراث (٢ جلد)
١٥. لباب التقول في مواقفات جامع الأصول
١٦. تحذيب المباني الأصولية
١٧. شرح الزيارة الجامعية الصغيرة
١٨. مزارات أهل البيت وتاريخها
١٩. غاية الآمال في طبقات الرجال
٢١. موارد الاعتبار في سيرة النبي المختار وآل الأطهار
٢٢. أوضح البيان في تفسير القرآن
٢٣. نصوص الإجازات
٢٤. الفوائد المنتقاة
٢٥. التحريف والتصحيف
٢٦. الصيانة
٢٧. المؤتلف من أحاديث السلف
٢٨. المحاكمات بين التعليقات
٢٩. صورة من الحياة في سبيل الله
٣٠. المستدرك (شامل استدراك بر همه مؤلفات خود ايشان)
٣٢. أحاديث دينية
٣٤. مصادر الحديث عند الشيعة الإمامية
٣٦. التحف في نوادر مخطوطات النجف
٣٨. سلسلة الرواية للإجازات والأثبات
٤٠. الإجازة العزيزة
٤٢. أجوبة المسائل الدينية
٤٤. فهرس الرجال في موجز الأحوال
٤٣. جواهر اللآلی في سلسلة آل الجلالی
- اجازات روایی استاد جلالی:
- از علمای شیعه:
١. شیخ آقابزرگ طهرانی

۲. سید محسن جلالی (پدر استاد جلالی)

۳. سید محمد Mehdi کاظمی خوانساری

۴. سید محمد صادق بحرالعلوم

۵. شیخ محمد رضا طبسی

۶. سید حسن بجنوردی

۷. شیخ محمد صالح حائری مازندرانی

۸. سید محمد رضا گلپایگانی

۹. سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۱۰. سید محسن حکیم

۱۱. سید هبة الدین شهرستانی

۱۲. شیخ محمد رضا بن محمد تقی اصفهانی حائری

۱۳. سید محمد طاهر موسوی بلادی بحرانی

۱۴. شیخ یوسف خراسانی حائری

۱۵. دکتر حسین علی محفوظ^۱

از علمای زیدیه:

۱. السيد مجید الدين المؤيدى الحسنى الصعدى الضھيانى

۲. الشیخ حمود المؤید الحسنى الصنعاوی

از علمای اهل سنت:

۱. الشیخ حمدی العبیدی الاعظمی البغدادی الحنفی

۲. الشیخ أمجد الزهاوی الكردی البغدادی الحنفی

۱. این اجازه مدیجه است. یعنی هردو طرف اجازه محیزند و مجاز.

٣. السيد علوى بن عباس المالكى المکى (مدرس در مسجد الحرام)
٤. الشيخ محمد بهجة الدمشقى (المعروف به بيطار)
٥. الشيخ محمد ياسين الفادانى الأندونيسى المکى
٦. السيد عبدالله بن محمد بن صديق الغمارى (از بزرگان طنجه در مراکش)
٧. السيد إبراهيم بن عمر بن عقيل الحسيني اليماني الشافعى
٨. الشيخ عبد الغنى الدقر الحسيني الدمشقى الشافعى
٩. الشيخ محمد بن أحمد القادرى (ملقب به أخضر، آخرين نقيب الأشراف در سوريه)
١٠. الشيخ عبد الرحمن بن عبد الرحمن الشاغورى
١١. الشيخ يوسف عرار الحسيني الدمشقى
١٢. الشيخ محمد أمين سراج الحنفى الاسطانبولى

١٢٣

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٣٨٨

جُلُم

(دُوَيْدَ) فِي كِتَابِ زَيَارَةِ لَهَارِ الْكِتَابِ الطَّاهِرِيَّةِ بِمِشَّتِ
قَاتِصَتِ لِي قَصْةً ثَمِينَةً لِلْمَوْقِوفِ عَلَى طَائِفَةٍ مِنْ نَعَائِشِ الْمَطَهَّرَاتِ وَنَوَادِ
الرِّزَاثَ . وَكَانَ مِنْهَا هَذَا الْكِتَابُ النَّادِرُ - الَّذِي أَصْبَلَهُ نَسْمَةً ثَانِيَةً -
لِرَوْلَةَ إِبْرَاهِيمَ مُحَمَّدَ زَيَارَةِ الْمَرْوُزِيِّ ، بِرِوْرِي فِيهِ حُمَّى الْأَطْاَدِيَّةِ
مِنَ الْأَهَامِ مِنْ زَيَارَةِ الْكَاظِمِ (عَلَيْهِ) وَقَدْ حَارَّتْ الْكِتَابَ فِي بِطَاطُوِيَّةِ
الْأَهَامِاتِ وَالْقَاءَتْ طَبَّمَ : (مِنْدَ الْأَدَمِ مِنْ كَاظِمَةِ بَهْبَهَيَّةِ) .
وَذَكَرَ الْعَنْ أَوْالِعَطَبِيِّ أَصْدِرَهُ مِنْ الْمَهَارَى الْمَوْرَقَ ١٣٩٥ هـ بِطَبَّمَ لِعَبْوَانِ
الْكِتَابِ بِكَاهَ وَذَكَرَهُ الْكَفِيجُ أَبُو حَسْنُ عَبْرَ الْمَعْنَى الْمَطَسِّيِّ الْمَنْتَلَمَ بَلَمَ بَلَمَ
(رَطَّابَاتِ) .
وَمَا كَانَ مِنْ سَعَى اسْتِنَاحَ الْكِتَابِ وَتَحْمِيَّجَ اعْمَادِيَّتِهِ مِنْ مَصَارِفِ
صَاعِدِ الرَّقْتِ وَسَاعِدِ التَّرْفِيقِ . وَالْبَيْكُ حَمَدُهُ لِلْمَرْبَةِ الْمَرْفَعَةِ
صَرَلَ الْكِتَابَ وَالْمَلْفَ ، مُلْعَلِّهَا تَقِيَ بِعَضِ صَارِبِ الْمَقْسُعِ .
(وَمَا تَوْفِيقِي لِإِلَاقَابِهِ عَلَيْهِ تَوْكِلَتْ وَالْيَهِ اتِّبَعَ)
الْأَمَامِ كَاظِمِيَّهِ

الْمَهَارَى الْمَشْرُفَ
عَرَصَبَ الْمَجْرِيِّ الْمَلَدَى
مِنْ سَعَدِ صَفَرِ ١٣٩٦ هـ

يادداشت محقق جلالی در مورد مستند امام کاظم^۷

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حقیقی پیراز عصر سدهم دارد است چند رشید درمه طبقات
اعلام ارشید از قرن چهارم تا قرن دوازدهم که از چاپ درآمده برسی است
هر اجر خرست دم و صیر و ارم رسیده باشد و ده میل خدا اعلام پیغمبر اگر
رسیده باشد آدرس صحیح به بسیار باره نیز سیم فنس از اول آخوند
دوازدهم مرتب چاپ شده باشد و قرار است از اینجا آغاز چاپ
شد قمت چیز شره قرآن چهاردهم رسیده مصل نزد کارمزدی مسجد است
قطعه قمت چاپ شده قرآن رسیده معمود شده است در هنال از کشف
با این دان، این اندیچ پیشنهاد دز قرآن رسیده که خدمت شدید دو قسم برخی
از آن بخط بعضی است گردید که شاید که مرتفع کرس او ریکار بودم غایب فتوکی
وار ز محمد بن یهود که فتوکی از نظر مصل بود فتوکی شر فهد الکعب
کشید قمت که بخط بعضی است گردان شاید بود صوره حجت است این ایام
قرآن رسیده دوچهاردهم تمامی مصال داشت دوره شر فهد فتوکی
من شود به طلاقه رہیخ الطائف شیخ بزرگ ایضاً صاحب تدبیر ایضاً
اگر فتوکی ویکی می تواند بیش از گزینش از این اندیجه می شود
من تقدیم ایضاً سایه برمی گردانیم محبت کننده پسر است من کشید
بیز سیمیه چهار طور صفحه میانیه و دو گزینه کی در آن باشد
او نیز تایپ کند و انتشار کند هر یکی از این اندیجه از این
عنوان ایکنیه به همین ام محمد علی انتشار کند پیشتر شده
و آدرس محمد علی را هم در سرمه بارا بفرمایی که اگر فرم
سوییه بتوانم اورا به بینم
شده فاکر فم ۷۹۱۶۲۰ عبارت رسیده
بروزداد است این اندیجه عبارت

نامه محقق کتابشناس سید عبدالعزیز طباطبائی به مرحوم استاد جلالی برای چاپ کتاب
طبقات اعلام الشیعه شیخ آقا بزرگ تهرانی

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَرَبُتْ

الْمُهُورُونَ وَالْمُالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا وَوَلَاتِنَا الْفَاتِحِينَ وَجَعَلَهُ
خَاتَمَ النَّبِيِّنَ وَعَلَى أَوْصِيَّتِهِ الْمُصَوِّرِيِّ الْمُطَاهِيِّ مُنَظَّمًا وَحِلَابَةً لِكُلِّ كِتَابٍ
وَجَعَلَهُ

لِلْبَيْنِ حَادِثَةً الْجَاهِيَّةِ بِوَجْهِ الدُّرُجِ
تَأَمَّلَ الْبَيْنَيَّةَ الْمُهُورَيَّةَ الْمُكَبِّرَيَّةَ الْمُتَأَمِّلَةَ الْمُلْكَيَّةَ الْمُبَدِّلَيَّةَ
خَلَلَ الْمُلَادَيَّةَ الْبَلَلَيَّةَ الْبَيْنَيَّةَ الْمُبَدِّلَيَّةَ الْمُهُورَيَّةَ الْمُلَادَيَّةَ زَادَ الْمُهُورَةَ قُوَّةَ
ذَلِكَ سُجَّارَةَ ذَلِكَ لِلرَّطَبِ بِشَلَّ سُنَّاتٍ فَكَيْفَتَ لِإِجَازَةَ عَادَرَ تَخَضُّرَ كَمْسَحَهَا رَوَابِيَّةَ عَنِيَّةَ
مَاصِفَةَ عَالَةَ الْمُسَلِّمِينَ مِنَ الْأَصْوَرِ وَالْكَتَبِيَّةِ صَدَرَ الْإِسْلَامَ حَتَّىَ الْمُبَرُّوْمَ فَمَرْجَانَ عَنِيَّةَ نَهَلَكَ
وَلَقَدَ أَكْثَرَ مِنَ الْمُزَدَّرِ إِلَىَّ مَكْبِنِيَّ الْمُرْفُوقَةِ مِنْ (١٣٧٥) لِانْتِفَاعِ طَلَابِ الْجَهَنَّمِ الْمُغَرَّبِيَّاتِ
بِشَفَّلِ بِيَطَا الْمَدَهَانِيَّةِ الْمُكَبِّرَةِ بِسِقْبَرَهَا مَطْبُورَهَا وَمَخْطُطَهَا الْمَلَوَّهَنِيَّةِ وَكَلَانَ
وَكَبِيرَهِ الْبَلَالِيَّيَّبِيَّنِهِ الْمَكَبَّتَهَ مُشَعَّلَةِ الْفَحْصِ التَّنْقِيبِ لِتَحْمِيَّهِ بِجَهَنَّمِ الْمُطَّ
وَالْمُؤْسَفَهَ خَدَرَ وَدَعْلَوَانَهَ بِجَهَنَّمِ الْمُطَاهِيَّهِ وَالْكَبَانِيَّهِ الْاِسْقَادَهَ تَارِكَ الْأَكْلِيَّهِ لَوَيْهَ
طَالِشِمِ وَالْمُسْتَأْشِرِ لِلْطَّابِعِ الشَّرِقِيِّ فَتَالِيَّهُ بِهَذَا الْمُسَيِّعِ مَفَاطِمَاَهَا خَادِرَ حَازِمَهُ
مَجْلَعَاَ لَابِنَاهُ بِهَذِهِ الْمُرْكَبَهِ مَرْكَبَهِ الْمُهُورَهِ حَضَرَهُ ثَلَاثَهُ سَائِرَ الشَّابَانِ مِنَ الْمُبَرِّعِلَهِ
فَالِّي سَبَلَ جَلَادَهُ زَيَّانَهُ الْمُرْقَبَهِ بِهَذَا الْبَلَالِيَّهُ الْمُكَبِّنِقَهِ

وَلَعْدَ كَيْفَتَ اَنَّا وَلَرَ بِعِضِهِنَّ الْكَتَبِ دَاعِرَهُ مُلْبِهِ بِعِصِّهِ خَصْصَهُ بِأَنَّهَا شَرِحَهُ لِجَهَنَّمِ
مُوَلَّهُ وَلَطَمَرُهُ عَلَيَّ بِعِصِّهِنَّهُ وَأَذْكُرَهُنَّهُ مِنَ طَالِبَهُ دَارِيَّا عَلَيَّهِ بِعِصِّهِ مَوَاضِعَهُ وَمُوَبِّهِ
أَوْ صَوْبِقَهُ وَأَنَّا مَصِرُهَا لِلْمُخْطَرِ طَافَهُ الْمُقْلِمِيَّهُ نَالِبِقِيَّهُ لِلْمُضَيِّقَهُ عَنِيَّهُنَّهُ
وَخَلَبَ الْبَيْنَيَّهُ الْمُبَدِّلَيَّهُ كَلَاهَهُ تَكَعُّفَهُ عَنِيَّهُنَّهُ آنَّوَ الْأَخْلَهَ الْمُبَتَهَهُ مَهَاجَاهَهُ
وَالْمُرْقَبَهُ الْمُسْلِمَهُ مِنِيَّهُ الْفَرِيقَهُ عَلَيَّهُ الْمُسْلِمَهُ مِنِيَّهُ الْمُهُورَهُ بِلَهَهُ الْمُهَاجَهُهُ
فَاجِيَّهُ سَالَهُ وَزَرَكَهُ مَهَرَهُ رَفِيقَهُ وَكَيْفَتَهُ هَذِهِ الْجَاهِيَّهُ بِسَيِّدِيَّهُ الْمُهَيْقَهُهُ مَكْبِنِيَّهُ
فَالْمَاهِيَّهُ شَرِيعَهُ حَرَمَهُ مَهَرَهُ مَهَرَهُ سَيِّدَهُ وَجَاهِيَّهُ مَهَلَمَهُ وَالْمَهَدَهُ الْمُهَبَّهُ بِهَذِهِ الْمُهَاهَهُ



اجازه روایت حدیث از علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی برای محقق جلالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سشرف طلبه وخير بويته
 محمد سيد الأولين والآخرين وأهل بيته الطيبين الطاهرين وآله
 ولعنوا باسمه على أعدائهم جميعاً أبا المدين ورضاهم آله طهرين
 ولبعد فان جانب العامل والخاص بالكامل جامع المعمول
 والمعمول حادى الفروع دأه صوله الورع الشعى الأغاسين
 الجلالى الحاروى رامت افاضاته وكر الله في العلة والعاملين
 امثاله من اعتنقت في البهق الاشرف برقة من الزمان المصيل
 العلوم الشعير وتشييع المباني الفقهية وتحقيق المسائل الاجماعية
 وحضر على الاساطير ولدى الاصح حضور قائم وتحقيقين وتعظى
 وتدققين وبلغ مناه وفاق القرآن وحارزه ببر الأجهاد مقرة
 بالصلاح والسعادة واستئن الله تعالى انه يحيط ذرخى العباد
 حسناً حصيناً للبلاء خلقه تعالى درته وليله سجن شر اجره
 واستئناف لا ينساني من الله عاصي نزيفه الملام ^و_{٣٨٥}
 حسن المؤمن بالبنور ^و_٢



گواهی اجتهد مر حوم جلالی از آیت الله میرزا حسن بجنوردی